



## اولین سفیر قاجار در پاریس

پدیدآورده (ها) : احمدی، حسین

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1379 - شماره 37 و 38  
از 10 تا 22

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92269>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





# اولین سفیر قاجار در پاریس

## حسین احمدی - مدرس دانشگاه

در اولین سلطنت فتحعلی شاه به دلیل توجه همزمان قدرتهای بزرگ به ایران، زمامداران قاجار با کمترین اطلاعات، خارجی به دایره سیاست بین‌المللی کشانده شدند. در اواخر سلسله صفویه روسها به احاطه فقدان نیروی دریایی قوی، علاقه خود را به توسعه‌طلبی از سوی به ویژه در قسمت شمالی ایران نشان دادند، اما ظهیر نادر طرح آنها را معوق گذاشت. ماریوی کار آمدن سلسله قاجار سیاست فوق توسط کاترین دبیان تدوین و پل اول در مدت کوتاه سلطنتش برخلاف مادرش سیاست محافظه‌تاری نسبت به ایران در پیش گرفت اما فرزند وی الکساندر ما توجه به خارج شدن از بسیاری از مشکلات داخلی و وجود زمینهای مساعد خارجی، سیاست‌های مادر بزرگش را به شدت دنبال کرد که نهایتاً به جنگ‌های دوره اول ایران و روس و حدیث بسیاری از سرزمینهای ماوراء اوس از ایران

تجارت

انگلیسی‌ها که قبل از قاجارها اتفاقاً به روابط تجاری خود با ایران اندیشه می‌کردند در سالهای آغازین سلطنت فتحعلی شاه به فکر اتحاد سیاسی با ایران افتادند. افشاش در مرزهای همسایگان اروپایی رژیستی کمپنی هند شرقی انگلیس را به حمایت از مرزهای عربی هندوستان و داشت، ترس انگلستان از فرانسه بود که بعد از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ به عنوان یکی از قدرتهای برتر جهانی قدم به عرصه وجود گذاشته بود. تأییران که در سپتامبر ۱۷۹۷ وزیر خارجه شده بود عقیده داشت که زمان برای توسعه و استفاده از گری فرانسه فراموش شده است و حوزه عملیات آن باید در شرق باشد به همین لحاظ باید با تصرف مصر این امکان را به وجود آورد که تجارت شرق، از دامنه امپراتوریک به آبراه سوئز اتصال پیدا

کند و جنبه به موازات انگلیس در هند از مصر و از طریق دریای سرخ و جزیره ایب دو فرانس<sup>(۱۸)</sup> (مورپس) فرانسه انجام شود. در ژوئیه ۱۷۹۸ بر اساس طرح تأیید رتشل فرانسه تحت فرماندهی ناپلئون در مصر باده شد این عمل باعث شد تا انگلیس در مناسبات سیاسی خود با امپراتوری عثمانی و ایران تجدید نظر کند و برای حفظ مستعمره خود و جلوگیری از حملات فرانسه از طریق شمال غربی و غرب هند به فکر جابجایی شد. بالارامی موجود در این منطقه توسط نیرو سلفان حاکم میسور و زاهدشاه حاکم کانپور دغدغه کمپانی می شود چه شواهد و قراینی دریافت کند. تیبو سلطان از ناپلئون را حکایت می کرد به همین منظور فرماندار بمبئی ضمن فرمان تسخیر استحکامات جریره بریم در آبهای باب‌المندب، دستور داد تا کمپانی های انگلیسی در فاصله باب‌المندب تا خلیج فارس به گشت‌رانی بپردازند. به این ترتیب راه دریای سرخ بسته شد و ناپلئون متوجه شد راه سعی عثمانی و ایران شد. کمپانی هند شرقی جهت جلوگیری از تحقق اهداف فرانسه ابتدا یک ایرانی به نام سیدعلی خان و سپس جناب ملک<sup>(۱۹)</sup> را به ایران فرستاد. حداقل نتیجه دو سفارت فوق‌العهد دولت ایران به کمپانی هند شرقی انگلستان در مقابله فرانسه و سرنگونی زاهدشاه بود.

بعد از شکست ناپلئون در عتقا و بسته شدن راه دریای سرخ، بناچار در ماه ژوئن ۱۸۰۱ مصر را ترک کرد و به فرانسه بازگشت و ضامن به دست آوردن مقام کنسول اوی. پاپل زار روسیه بر ضد انگلستان متحد شد اما به مرگ پاپل انگلستان در هند و فرانسه به سمت انگلستان رفت و ناپلئون بناچار مجدداً راه عثمانی و ایران را برای رسیدن به هند برگزید و نی فتحعلی‌شاه به چراغ سبز کنسول اول توحیدی نکرد. با شروع جنگ‌های روسیه با ایران بر سر سرزمینهای فقرا و آگاهی دولت‌مردان حاجی از ضعف ارتش ایران، فتحعلی‌شاه برای رهایی از اضمحلال ایران بر اساس فرزند متعده ما سر جان منکم به سال ۱۲۱۵ ق از دربار انگلستان استمداد کرد ولی انگلیسی‌ها که متحد روسیه در مقابل فرانسه بودند شرایط سنگینی که حکایت از سرماز زدن از این درخواست ز داشت مطرح کردند. شاه ایران سپس دستش را برای ایجاد مناسبت و مقابلهای کمکی که نیاز بود کرده بود دراز کرد این مقابلهای کمکی از برکتین قاجار وروایتی به منظور مقابله با این قدرت شمالی بود که سریعاً در حال گسترش مرزهایش به داخل سرزمینهای ایران بود.

بعد از محاصره ایران توسط نیروهای روسی به سال ۱۸۰۲/۱۲۱۹ فتحعلی‌شاه به اجمیادین در سه فرسنگی ایران رفت و ضمن شکستن این محاصره از داود خلیفه اعظم کلیسای اجمیادین اطلاعات منصفی درخصوص ناپلئون و فرانسه به دست آورد و نامه‌ای برای ناپلئون به وسیله یک بازرگان از منتر به نام اوسیب و سبیلویچ<sup>(۲۰)</sup> در دسامبر ۱۸۰۲ رمضان ۱۲۱۹ به سفارت فرانسه در قسطنطنیه فرستاد که در آن ضمن شرحی درباره جنگجوی روسیه و ایران و نه لحاظ دشمنی روسیه با دو کشور ایران، جرأتار حمله همزمان دو کشور به روسیه در بهار سال آینده شد<sup>(۲۱)</sup> فتحعلی‌شاه از ناپلئون در حالی درخواست کمک می کرد که نی‌خان به دنبال قتل حاج خلیل‌خان در حال سفر به هندوستان بود و

هنوز شاه فاجبار برای دریافت کمک از انگلستان مایوس شده بود. نامه فتحعلی‌شاه توسط زوریر<sup>(۲۲)</sup> ترجمه شد و یک ماه بعد توسط سارنابل پرون<sup>(۲۳)</sup> به دست ناپلئون رسید و امپراتور با افاضه به تأیید<sup>(۲۴)</sup> دستور داد که اطلاعات لازم درخصوص ایران را جمع‌آوری کند و به سمع و نظر وی برساند.

بعد از استماع گزارشهای رسیده فوراً سیرآمده زوریر<sup>(۲۵)</sup> مترجم زبانهای شرقی خویش را مأمور مسافرت به ایران کرد و با توجه به دشمنی عثمانی و ایران و همچنین انگلستان و روسیه با فرانسه و احتمال عدم موفقیت و ناکامی زوریر، آموغان مخصوص خویش سرهنگ روسیو<sup>(۲۶)</sup> را نیز با نامه‌ای روانه ایران کرد. روسیو در صفر ۱۸۰۵/۱۲۲۰ به همراه مترجمش اوتره<sup>(۲۷)</sup> از قسطنطنیه حرکت کرد و در اواسط ژوئیه به جانب رسید. به دلیل اطلاع بیکر<sup>(۲۸)</sup> کنسول انگلیس در این شهر از حرکت روسیو وی چهل روز در حلب معطل ماند ولی با مشاقت بسیار از طریق اوره، موصل، کرمانشاه، همدان و پس از گذشت شش ماه از حرکت در اواسط رجب ۱۲۲۰/اکتبر ۱۸۰۵ به تهران رسید و نامه مورخ سیام مارس ۱۸۰۵/دسامبر ۱۲۱۹ و هشتم ذیحجه ۱۲۱۹ ناپلئون را تقدیم فتحعلی‌شاه کرد. زوریر از جانب ناپلئون به شاه پیشنهاد کرد که بیست ۱۸۰۱ - فرارده ما ملکم با انگلیس را قسح نموده و خود را متحد فرانسه بر ضد روسیه اعلام کند در عوض به شاه ایران پیشنهاد کمکهای مالی و نظامی را کرد. شاه که سفیری به نام نی‌خان را به هند فرستاده بود و هنوز امید فروزان به کمک کمپانی هند شرقی داشت علاقه‌ای به پیشنهاد روسیو نشان نداد تا سرانجام مأموریت محمدنبی‌خان معلوم شود.

زوریر با وجود تهیه اطلاعات مفصل از ایران و ارسال آن به فرانسه فرصت تمام مأموریت خویش را نجات و پانزده روز بعد از ورودش به تهران فوت کرد. سرگ وی را دست با غلط به تحریک عمال سیاسی اجیر شده کمپانی هند شرقی در ایران منسب کرده‌اند.

گرچه زوریر زودتر از روسیو در پنجم ذیحجه ۱۲۱۹ / هفتم مارس ۱۸۰۵ پاریس را به مقصد ایران ترک کرد ولی به علت اسارت هشت ماه و نیمه در دوبایزید عثمانی در هجدهم ربیع‌الاول ۱۲۲۱ / پنجم ژوئن ۱۸۰۶ وارد تهران شد و نامه ناپلئون را در ملاقات با شاه تقدیم وی کرد. زوریر بی تردید که شاه پیش از پیش بیداری شنیدن پیشنهادهای فرانسه می‌باشد دلیل آن گزارش‌های دلسردکننده‌ای بود که محمدنبی‌خان از هندوستان فرستاده بود. سر جرج بازلو به نی‌خان داد آورد شد که معاهده ۱۸۱۱ علیه فرانسه بسته شده نه روسیه و معاهد آن در مورد کمک به ایران در جنگ با افغانستان و در مورد قدرتهای اروپایی علیه فرانسه است و نه علیه روسیه.

پاسخ منفی کمپانی عرضه را برای تاخیر و تاژ سایدگان فرانسوی را در ایران فراهم کرد و زوریر در گفتگوی مفصل با شاه در سلطانیه زمینه اتحاد دو کشور را فراهم کرد. بعد از خروج زوریر با ورود ژنرال گاردان به ایران پس درین چهارمساننده بیکر از جانب فرانسه به ترتیب به ناپلئون<sup>(۲۹)</sup>، لابلانش<sup>(۳۰)</sup>، پینتان<sup>(۳۱)</sup>، رومان<sup>(۳۲)</sup> به ایران آمدند تا همچنان روابط دو کشور حفظ شود.

قبل از خروج ژویر از ایران، فتحعلی شاه میرزا محمد رضاخان قزوینی وزیر سابق محمدعلی میرزا دولتشاه را به نزد ناپلئون فرستاد. فرانسه هر زمان در جنگ با اتحاد چهارم در لهستان بسر می برد لذا میرزا رضاخان قزوینی پس از ملاقاتی با ناپلئون در ورشو در بیست و دوم آوریل ۱۸۰۷ / میزدهم صفر ۱۲۲۲ وارد دژ فین کین اشتاین شد و به حضور امپراطور راه یافت و در چهارم مه ۱۸۰۷ / بیست و پنجم صفر ۱۲۲۲ پیمان فین کین اشتاین را به اتفاق هوگ برنار ماره دوک باسانو<sup>(۳۶)</sup> و ژرژ کتسور فرانسه امضا کرد.

ناپلئون حکمی را بر اساس عهدنامه فین کین اشتاین راجع به فرستادن هیاتی به ایران امضا کرد. یادسورالعمول رسمی ناپلئون، ژنرال کنود مایر دوگاردان<sup>(۳۷)</sup> چهل و یک ساله، تعدادی از افسران و درجه داران فرانسوی به همراه هیأت هفت نفره میرزا رضاخان قزوینی به طرف ایران حرکت کرد و از طریق استانبول، آنقره ارزنة قروم و بایزید خود را به مرز ایران رسانید.

### حرکت از تبریز

در اوایل اوت ۱۸۰۷ / اواخر جمادی الثانی ۱۲۲۲ که از آمدن هیأت نظامی سیاسی فرانسه به سرپرستی گاردان به ایران خبری نبود دولت ایران تصمیم گرفت عسگرخان افشار ارومی<sup>(۳۸)</sup> را به سفارت فرانسه بفرستد. اگوست بیژان سروان پیاده نظام ارتش فرانسه که در این ایام در اردوی عباس میرزا در آذربایجان بود در همین ارتباط نوشت: «بعد از ابلاغ ماموریت عسگرخان، وی اغلب به دیدن من می آمد و پرستهای بسیاری می کشد من با میل به وی پاسخ می دهم و وی را از اوضاع مطلع می سازم ولی مطمئن هستم که هرگز از این از من اطلاعات استفاده نخواهد کرد چون اهالی این مملکت بشکار ندانند ولی عسگرخان نسبت به ایرانیان شجاع تر و مطلع تر است»<sup>(۳۹)</sup>.

عسگرخان به اتفاق بن تان<sup>(۴۰)</sup> و فردی به نام میرزا علی بیگ و تعداد دیگری همراه در سوم نوامبر ۱۸۰۷ / دوم رمضان ۱۲۲۲ از تبریز به مقصد فرانسه حرکت کرد در حالی که هفت است و چهار قاطر حامل اسبیه همراهین بود<sup>(۴۱)</sup>.

در ششم نوامبر / پنجم رمضان عسگرخان و همراهان به خوی رسیدند و اکثر ملتزمین عسگرخان در این شهر به وی ملحق شدند. در همین شهر عسگرخان اطلاع پیدا کرد که فرانس است هیأت نظامی سیاسی فرانسه به سرپرستی ژنرال گاردان روز بعد وارد شهر شود. عسگرخان تصمیم گرفت منتظر آنها شود فردای همانروز عسگرخان به اتفاق بن تان و حاجی محمدبیگ حاکم خوی و عده کثیری در کنار باغ های وسیع خارج از شهر خوی رفتند و منتظر ورود ژنرال گاردان و هیأت همراه شدند<sup>(۴۲)</sup>. بعد از ورود گاردان به ایران سفارت عسگرخان به قید تعیین درآمد<sup>(۴۳)</sup>.

### حرکت مجدد

بعد از امضای عهدنامه فین کین اشتاین توسط فتحعلی شاه در بیستم شوال<sup>(۴۴)</sup> ۱۲۲۲ / بیست و یکم دسامبر ۱۸۰۷ و بعد از اینکه عهدنامه

تیلبرت از طریق سفیری از روسیه به اطلاع مقامات ایران رسید<sup>(۴۵)</sup>، عسگرخان افشار ارومی جهت رساندن عهدنامه فوق<sup>(۴۶)</sup> و یادآوری تعهدات فرانسه نسبت به ایران<sup>(۴۷)</sup> با مقداری اشیاء نفیسه<sup>(۴۸)</sup> و با تعدادی بالغ بر سیصدنفر از سوی فتحعلی شاه عازم فرانسه شد<sup>(۴۹)</sup>. وی همچنین سامن عهدنامه تجارتمی و قرارداد اسلحه ای بود که گاردان با دولت ایران منعقد کرده بود<sup>(۵۰)</sup>.

عسگرخان در اوایل سال ۱۸۰۸<sup>(۵۱)</sup> با هیأت همراه از ایران به قصد فرانسه وارد خاک عثمانی شد. دشواریهای مسافرت در خاک عثمانی عسگرخان را به برگ تعداد زیادی از همراهان خود واداشت<sup>(۵۲)</sup>. وی با این تعداد تقابل یافته شصت نفر هم در واقع بزرگترین دسته ای بود که در آن زمان یک سفیر با خود به فرانسه می برد<sup>(۵۳)</sup>. غیر از بل آنژلونی دوگاردان<sup>(۵۴)</sup> میرزا علی بیگ به عنوان منشی، نجاتعلی سنگ سرورزاده سفیر به عنوان مترجم، دو نفر از نوادگان سفیر، یک روحانی، یک پزشک، یک کازبردازه، دو موریکانچی و بیسی از چهل نفر خدمتکار عسگرخان را در این سفارت همراهی می کردند<sup>(۵۵)</sup>. اعضای سفارت پس از پشت سر گذاشتن عثمانی وارد بخاراست شدند. عسگرخان که حامل شال کشمیری و تعداد قابل توجهی وسایل ذقیمت و لیبهد ایران برای فروش در آذربایجان بود در این شهر دو طاقه شال کشمیری به یک بازرگان فرانسوی داد و چهارده صدف طلانی را پیش کنسول فرانسه در بخاراست گذاشت تا هنگام برگشت پس بگیرد<sup>(۵۶)</sup>.

### ورود به پاریس

عسگرخان پس از طی آبریش در شانزدهم ژوئیه ۱۸۰۸ / بیست و دوم جمادی الاول ۱۲۲۲ وارد شهر پاریس و جک فانس بورگ<sup>(۵۷)</sup> در مرز<sup>(۵۸)</sup> فرانسه شد. به دستور ناپلئون پیر آمده ژویر<sup>(۵۹)</sup> و اوتیره مامور پذیرایی سفیر ایران، پاریس شدند. عسگرخان خوشحالی خود را از پذیرایی بسیار خوب دولت فرانسه کتمان نمی کرد. سفیر ایران به همراهان در ساعت یازده صبح بیستم ژوئیه ۱۸۰۸ / بیست و هشتم جمادی الاول ۱۲۲۲ وارد پاریس شدند و در عمارت سابق خانم دوکتی<sup>(۶۰)</sup> در شماره ۱۲ خیابان فروژ<sup>(۶۱)</sup> اسکان پیدا کردند<sup>(۶۲)</sup>. در موقع ورود عسگرخان به پاریس ناپلئون در شهر حضور نداشت<sup>(۶۳)</sup>. سفیر ایران در همان بدو ورود شرحی درباره وضعیت و چگونگی حمله روسیه به شهرهای تفلیس، گنجه، شوش، دربند و چند شهر دیگر نوشت و برای ناپلئون فرستاد<sup>(۶۴)</sup>.

در پانزدهم اوت ۱۸۰۸ / بیست و دوم جمادی الاخر ۱۲۲۳ به مناسبت سالگرد تولد ناپلئون، عسگرخان محل اقامت خود را به شیوه کاملاً آسیایی چرخانی کرد و به شکل کاملاً نورانی حروف<sup>(۶۵)</sup> و اسنجه های شاه را به شکل هنرمندان درهم بیچیده بود در همان حال دو نوازنده سفارت عسگرخان در حالی که آواز می خواندند به دنبال آن موزیک جشن نظامی می نواختند. این مراسم با آنتن سازی باشکوهی پایان یافت<sup>(۶۶)</sup>.

## ملاقات با امپراطور

اولین نشست با امپراطور قرار داد در بیست و هفتم اوت ۱۸۰۸ / ششم رجب ۱۲۲۳ در قصر تولیتری<sup>(۴۷)</sup> برگزار شود و سپس در همان روز پیش‌بینی شده بود که سفیر از یک روزه در میدان کاروسن<sup>(۴۸)</sup> سان بیند اما مراسم در نهایت به روز یکشنبه چهارم سینامبر ۱۸۰۸ / سیزدهم رجب ۱۲۲۳ به قصر سنت‌کلود<sup>(۴۹)</sup> منتقل شد. ساعت ده صبح روز یکشنبه استاد اعظم تشریفات دربار به همراه چندین مامور تشریفات با شش کالسکه به دنبال عسگرخان آمد که هر کدام از کالسکه‌ها توسط شش اسب کشیده می‌شد و یک اسکورت پنجاه نفری سواره نظام آنها را به قصر سنت‌کلود هدایت کرد.

بنح کالسکه دور نا دور عسگرخان بودند. عسگرخان در داخل کالسکه امپراطوری با دبیر اول سفارت و راهنمای تشریفات و مترجم سفارت حضور داشت. کالسکه بعدی استاد اعظم تشریفات، مامور تشریفات و آمده ژوبیر دو توه سفیر و سایر مامورین در کالسکه‌های دیگر قرار داشتند که به دنبال کالسکه عسگرخان حرکت می‌کردند. عسگرخان با تشریفات متداول در سالن ترون<sup>(۵۰)</sup> وارد شد که در این سالن امپراطور حضور داشت که به دورش شاهزادگان، وزراء، مامورین عالی‌رتبه، اعضای مجلس سنا و هیئت وزراء حلقه زده بودند. ناایران سفیر را به امپراطور معرفی کرد. عسگرخان پس از سه بار تعظیم یک سخنرانی به زبان فارسی کرد که توسط آمده ژوبیر ترجمه شد<sup>(۵۱)</sup>. سفیر همچنین از جانب عباس میرزا ولیعهد ایران نیز چند جمله‌ای بیان کرد<sup>(۵۲)</sup> و سپس نامه فتحعلی‌شاه را تقدیم ناپلئون کرد که در آن شاه ایران عسگرخان را بلبل حقیقت که از زاغ و دروغ‌فرازی است<sup>(۵۳)</sup> معرفی نمود و مراتب تشکر و امتنان خود را از امپراطور کرده و خواستار تحکیم روابط دولتی ایران و فرانسه شده بود<sup>(۵۴)</sup>.

با این وجود عسگرخان موفق نشد مطالب ماموریت خود را به سمع ناپلئون برساند<sup>(۵۵)</sup>. مراسم که تمام شد عسگرخان سه بار تعظیم کرد و سه سمت سالن مارس<sup>(۵۶)</sup> خارج شد که در این سالن هدایای فتحعلی‌شاه که بر روی دو نا سینی توسط ایرانیها حمل می‌شد و در حالی که امپراطور برای مراسمی به کنیسا می‌رفت - توسط عسگرخان به وی تقدیم شد<sup>(۵۷)</sup>.

## هدایا

فتحعلی‌شاه پنجاه هزار تومان هدایا برای ناپلئون فرستاده بود<sup>(۵۸)</sup> که عبارت از بود هشتاد قواره پارچه و شال کشمیری از رنگهای مختلف، مقدار زیادی مروارید ظریف به اندازه‌های مختلف - که چند عدد از آنها بسیار درشت بودند -، یک افسار بادهنای به سبک آسیایی که با مروارید و فیروزه و زمرد و سنگهای اهل یا عمیق سرخ سوریه مزین شده بود، شمشیر امیر تیمور گورگانی و نادرشاه افشار<sup>(۵۹)</sup> که شمشیر تیمور مزین به مروارید و سنگهای قیمتی ولی شمشیر نادر ساده بود که هر دوی این شمشیر تیغه‌های هندی داشتند با دانه‌های بسیار ظریف و خانم‌کاری شده و بالاخره سی اسب ممتاز ایرانی<sup>(۶۰)</sup>.



عسگرخان سپس به محل اقامتین با همان افراد و همان نظمی که در هنگام ورودش رعایت شده بود<sup>(۶۱)</sup> همراهی شد.

## ملاقاتهای دیگر

قبل از اینکه دستور جدیدی از ایران برسد، عسگرخان ملاقاتهای متعددی<sup>(۶۲)</sup> را با تالیران، دوزک باستانو و شامیانی داشت و از شام بعدی آخرین می‌خواست که دیپلماسی فرانسه نقش فعالتری در پایان بحثیدن

اختلافات روسیه و ایران داشته باشد<sup>(۱۶۲)</sup> عسگرخان در همین ملاقات نامه میرزاشفیق صدراعظم ایران را به شامهانی تقدیم داشت که در آن ضمن اشاره به تمایل روسیه به صلح با ایران از اتحاد و یگانگی دو کشور صحبت کرده بود<sup>(۱۶۳)</sup>.

ملاقاتهای متعدد عسگرخان با مقامات فرانسوی باعث شد که عسگرخان طی دو نامه به تاریخ پانزدهم سپتامبر ۱۸۰۸، بیست و چهارم رجب ۱۲۲۳ به میرزاشفیق، درخوابت کند که از جانب فتحعلی شاه به وی اجازه داده شود که به تعدادی از دولت مردان فرانسوی نشان ظل‌الطهیر و نشان عالی خورشید اعطا کند<sup>(۱۶۵)</sup>.

پل آنژولونی دوگاردان برادر ژنرال گوردان که زودتر از عسگرخان وارد پاریس شده بود از جانب فتحعلی شاه به بائیران و هوگ، برنارماره به دلیل اینکه بسترن سهم را در نزدیکی ایران و فرانسه داشتند نشان عالی خورشید اعطا کرده بود که این نشان از این شده بود به شکل یک خورشید که به الماس مرصع شده بود و بند بزرگی که بافته شده از پارچه قرمز رنگ که پوشیده بود از مروارید به اندازه مختلف<sup>(۱۶۶)</sup>. عسگرخان تا نیمه اول سپتامبر ۱۸۰۸، رجب ۱۲۲۳ موفق نشد که به حضور امپراطور برسد تا مطالب شاه، واروهد و صدراعظم را به خدمت امپراطور و سپس چگونگی آن را به استحضار دولت مردان بلند پایه ایرانی برساند<sup>(۱۶۷)</sup>.

## گزارش به ایران

پس از معاهده تبسلیت پست و رفت ناپلئون به مسائل مربوط به اسپانیا که مردم آن بر علیه وی قیام کرده بودند صرف می شد. هنگامی که امپراطور عازم اسپانیا بود عسگرخان خواستار همراهی خود با برادرزاده‌اش با امپراطور شد اما ناپلئون به سفیر ایران و همراهان دستور توقف در پاریس را داد تا پس از مراجعت با وی گفتگو کند<sup>(۱۶۸)</sup>. عسگرخان درخواست داشت که نماینده‌ای از جانب امپراطور تعیین کرده تا با همراهی یکی از اعضای سفارت به ایران رود و گزارش از ملاقات سفیر یا ناپلئون، سفر امپراطور به اسپانیا و دلیل توقف عسگرخان در پاریس<sup>(۱۶۹)</sup> را به اطلاع شاه و نایب‌السلطنه برساند که این خواسته سفیر ایران نیز اجابت شد<sup>(۱۷۰)</sup>.

عسگرخان بناچار یکی از افراد سفارت را برای ارائه گزارش با نامهای به ایران فرستاد در مرسله‌ای که عسگرخان برای میرزاشفیق نوشته بود در آن خبر ورود خود به فرانسه و معرفی جزئیات راجع به ایام سفر و احتراماتی که در فرانسه نسبت به او معجزی داشته مطالبی ذکر شده بود. عسگرخان از اوضاع اسپانیا و انتقال شاد چهارم به قصر کمپیر و استحکاه این قلعه نیز در نامه خود شرحی نوشته بود<sup>(۱۷۱)</sup>.

عسگرخان در دو مرسله دیگر به شاه و نایب‌السلطنه حاضر نشان کرد که ناپلئون وی را خاطر جمع کرده که روسیه را از خاک ایران بیرون می‌کند لیکن بعد از نظام امر اسپانیا ایران اقدام حمله عرص خواهد پوشید<sup>(۱۷۲)</sup> ولی مقامات ایران نسبت به این مطلب اعتماد زیادی نکردند<sup>(۱۷۳)</sup>.

فرد اعزامی از جانب عسگرخان گزارش شفاهی مفصلی در خصوص

مسائلی ذکر شده در نامه‌ها به شاه، نایب‌السلطنه و به ویژه صدراعظم ارائه کرد<sup>(۱۷۴)</sup> و سپس از جانب دولت ایران مأمور شد مطالبی را به سمع عسگرخان برساند اما بعد از حضور در استانبول به دلیل مانع تراضی سفیر انگلیس در استانبول نتوانست به فرانسه رود و ناچار به نوشتن گزارشی به عسگرخان در اول آوریل ۱۸۰۹، پانزدهم صفر ۱۲۲۳ کتفا کرد در همان موقع عسگرخان نامه‌هایی را به توسط حاجی سلیم تاجری که برای عباس میرزا در اروپا داد و سند شال می کرد، به ایران فرستاد که وی مراسلات را گرفته و به ایران ارسال کرد<sup>(۱۷۵)</sup>.

عسگرخان تا اواخر سفارت خود در فرانسه به صورت مرتب افرادی از سفارت خود را با نامه‌هایی جهت اطلاع مقامات به ایران اعزام می‌کرد و همین افراد در برگشت حامل نامه‌هایی از سوی مقامات ایرانی برای عسگرخان بودند در همین راستا بود که دو نفر از سفارت عسگرخان در حال برگشت به فرانسه در هشتم ربیع‌الثانی ۱۲۲۴ در عنانی به دلیل نامعلومی به قتل رسیدند یا هنگامی میرزاابوالحسن خان ایلچی به همراه جرج مرزیه به سفارت به انگلستان می‌رفت چهار نفر از سفارت عسگرخان همراه آنان تا استانبول رفتند<sup>(۱۷۶)</sup> البته باید توجه داشت که فرانسویانی که از طرف ژنرال گوردان به فرانسه اعزام می‌شدند همچون پین تان، تانگوانی<sup>(۱۷۷)</sup>، سواسان<sup>(۱۷۸)</sup>، تروزیله<sup>(۱۷۹)</sup>، روسو<sup>(۱۸۰)</sup>، دوپره<sup>(۱۸۱)</sup> و ... نیز حامل نامه‌هایی از طرف مقامات ایران، گاردان و اشخاص دیگر برای عسگرخان بودند.

## نماینده تام‌الاختیار

در ماه مه ۱۸۰۸، رجب‌الاول ۱۲۲۳ بارون ورده<sup>(۱۸۲)</sup> سفیر روسیه به تهران آمد و در بیست و یک مه بیست و پنج ربیع‌الاول نامه گلدویج<sup>(۱۸۳)</sup> فرستاده ارتش روسیه در جبهه قفقاز را به گاردان تسلیم کرد که در آن از وی خواسته که بین ایران و روسیه میانجی‌گری کند<sup>(۱۸۴)</sup>. گلدویج از گاردان خواسته بود که مرز ایران و روسیه باید بر اساس دردهای گور، ارس و آرپاجای قرار بگیرد<sup>(۱۸۵)</sup>. گاردان موضوع سفارت ورده را به فتحعلی شاه اطلاع داد و پاسخ شنید که حاضر نیست از مصون مراسلات گلدویج اطلاع حاصل کند و تن به صلح نخواهد داد مگر اینکه روسها کلیه ولایات ایران را تخلیه کنند<sup>(۱۸۶)</sup>.

گاردان وقتی که فهمید دعای روسیه تا شرایط ایران جور در نمی‌آید و بدون حصول نتیجه مذاکرات به طول خواهد انجامید، به فتحعلی شاه پیشنهاد کرد که چون امپراطور فرانسه بیکخواه و دوست دو کشور ایران و روسیه می‌باشد پس می‌تواند از جانب دو کشور وکیل باشد و با درمیانی کند پس بهتر است که مذاکرات صلح در پاریس بین عسگرخان از جانب دولت ایران و رنک توستونی<sup>(۱۸۷)</sup> از سوی دولت روسیه به وساطت ناپلئون صورت گیرد و طرفین به توافق برسند<sup>(۱۸۸)</sup>.

فتحعلی شاه توصیه گاردان را پذیرفت و به عسگرخان در سی ام ماه مه ۱۸۰۸، چهارم ربیع‌الثانی ۱۲۲۳ اختیارات تامه داد در ضمن عسگرخان مجبور بود شرایطی را که ناپلئون تصویب نماید امضا کند<sup>(۱۸۹)</sup>.



میرزا صالح نیز از گدو بیج تقاضا کرد که از الکساندر امپراطور روسیه بخواهد که به سمیر مضم خود در پاریس اختیارات نامه در عهد معااهده صلح را بدهد.<sup>(۱۸۰۱)</sup>

عسکر جان در پاریس در تعقیب مذاکرات صلح در پاریس با شامبانی گفتگو کرد و تقاضای وی این بود که شاهنشاهی فرانسوا با کت تولستوی داخل مذاکره شود.<sup>(۱۸۰۱)</sup>

دولت ایران سعی کرد به وسیله ناپلئون روسها را وادار کند که نوعی شونو با امسی بر اینکه مرزهای ایران و روسیه اینطرف، گرجستان و داغستان باشد با پس بگیرند و حاضر شوند ولایات متصرفی ایران را تخلیه کنند.<sup>(۱۸۰۱)</sup>

گاردان برای به نتیجه رسیدن صلح دو کشور پیشنهاد کرد بنای جنگ و دعوا از جانب طرفین موقوف باشد تا مصالحه اصلی از پاریس برسد.<sup>(۱۸۰۲)</sup> و بر همین اساس با زور ورده یک قرارداد یکساله استراحت جنگ بین دو کشور را امضا کرد.<sup>(۱۸۰۴)</sup> و سمیر به همراه فتحعلی خان موری فور یسول باشی روانه تفریس شد تا قرارداد آتش بس بین ایران و روسیه امضا شود.<sup>(۱۸۰۵)</sup> گاردان در بیست و یکم اوت ۱۸۰۸ / بیست و هشتم جمادی الثانی ۱۲۲۳ انزلی کسی به دولت ایران داد که روسیه در ظرف مدت یکسال به ایران در سر حدات جنگی حمله نخواهد کرد.<sup>(۱۸۰۶)</sup> با قبول آتش بس از سوی دولت ایران در بیست و سوم اوت ۱۸۰۸ / اول رجب ۱۲۲۳ میرزا عیسی سراهانی و نیه ای کتبی به گاردان مبنی بر عدم حمله به روسیه از سوی ایران در ظرف مدت مذکور را داد تا حیرتی از عسگرخان برسد.<sup>(۱۸۰۷)</sup> گاردان مصمم این عهد را به اطلاع گدو بیج رساند.<sup>(۱۸۰۸)</sup>

رد و بدل این یادداشتها در حالی صورت می گرفت که در ماه ژوئن ۱۸۰۷ الکساندر و سلطنت ناپلئون را در صلح بین ایران و روسیه به دلیل فاصله زیاد مبن ایران و فرانسه رد و پیشنهاد مذاکره مستقیم بین ایران و روسیه را کرد.<sup>(۱۸۰۸)</sup> گدو بیج مطلب را در دوم ژوئیه ۱۸۰۸ / هشتم جمادی الاول به اطلاع گاردان رساند و سپس نقل و انتقال نظامی نیروهای روسی را در مناطق مورد ستازعه و مرز اطراف ایروان و ناهجران از سر گرفت. گاردان که از جانب دولت فرانسه مامور شده که مذاکرات صلح را در تبریز دنبال و از درد سر بیشتر دولت فرانسه بکشد سعی در این میانه برای فرانسه متصور نیست. در این امر جلوگیری کند. در ماههای اوت، سپتامبر و اکتبر سعی کرد از طریق ارمنان نامه یا فرستادن سمیری به نام

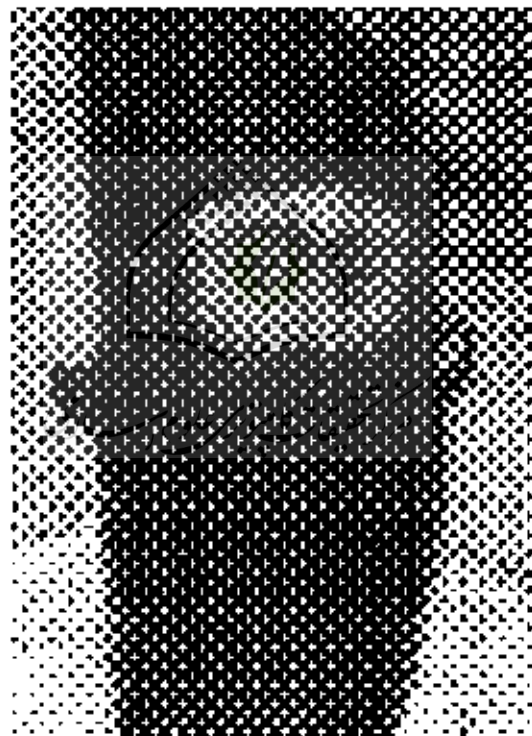
کاژار<sup>(۱۸۰۱)</sup> - حنی یا شهید یا تمهید - جنوی تجاوزات روسیه را بگیرد.<sup>(۱۸۰۱)</sup> ولی گدو بیج که اختیارات نامه از جانب الکساندر برای شروع جنگ داشت وقتی به سخنان گاردان نهاد و حنی تمهید کرد که اگر شرایط وی تعیین مرزها بر اساس رودهای ارس، کر، آرپاچای - فسول نشود هر چه در پرده غیب هست ظهور خواهد یافت.<sup>(۱۸۰۲)</sup> گدو بیج در حالی تعرضات خود را در جبهه انجوران و ایران شروع کرد که شاه به اطمینان گاردان که سیاست خارجی ایران را بدست گرفته بود به عین سمیر امر کرد که از غمیات تعرضی بر علیه روسها خودداری کند.<sup>(۱۸۰۳)</sup> بی اطلاعی گاردان از اخبار تحولات سیاسی اروپا وی را در مقابل هجوم روسها به ایران در بن بست قرار داده بود. این مطلب در نامه چهارم

دی الحجه ۱۲۲۳ / بیست و یکم ژانویه ۱۸۰۹ به عسگرخان که از وی خواستار اطلاعات کاملی درباره اوضاع سیاسی اروپا شده است کاملاً هویداست.<sup>(۱۸۰۴)</sup> گدو بیج در بیست و سوم اکتبر ۱۸۰۸ / سوم رمضان ۱۲۲۳ ضمن محاصره ایروان از کنار قلعه ایروان<sup>(۱۸۰۵)</sup> برای میرزا یزیدک نامه مفصلی ارسال و تهدید کرد که در صورت عدم پذیرش درخواستهای وی، بلاخرگ به ایران حمله و مناطق دیگری را تصرف خواهد کرد.<sup>(۱۸۰۶)</sup>

به احاطه اطمینان گاردان، سپاه ایران آمادگی لازم را در سر حدات برای جنگ با روسیه نداشت و گاردان نیز در دوم اکتبر ۱۸۰۸ / یازدهم شعبان ۱۲۲۳ با احضار افسران و درجه داران فرانسوی از ارتش ایران سعی کرد بیطرفی خود را حفظ کند. به تضعیف بیشتر ارتش ایران دامن زد.

### عدم توجه مقامات فرانسوی

بعد از مدت کوتاهی از به حضور رسیدن عسگرخان ناپلئون برای ملاقات با الکساندر به ارفورت رفت.<sup>(۱۸۰۷)</sup> که علی الظاهر درستی سال گذشته تبلیس را تحکیم و تثبیت کرد و روسیه دست فرانسه را در اسپانیا باز گذاشت. ناپلئون در ماه نوامبر ۱۸۰۸ غایب اسپانیا شد و در سی ام همین ماه / یازدهم شوال ۱۲۲۳ مأموریت را تصرف کرد. نامه احاطه سیاسی که در پاریس بر علیه ناپلئون جریان داشت وی اقامت خود را در اسپانیا نواد کرد و در هفدهم ژوئیه ۱۸۰۹ / چهارم جمادی الثانی ۱۲۲۴ به پاریس بازگشت و خود را برای شروع جنگ با انگلیس آماده می کرد.<sup>(۱۸۰۸)</sup> ناپلئون بعد از بازگشت از اسپانیا برخلاف وعده‌هایی که داده بود به



سفر ایران نارنداد و حاضر نشد مقاله ماموریت عسگرخان را بشود -  
 منافع مالی فرانسه ایجاد می کرد که جانب روسیه را بگیرد به ۵ مین دلیل  
 سفر ایران دیگر مورد توجه دولت مردان فرانسوی بود و عامل و باطل  
 روزی را به شبی و شبی را به روزی می آورد. عسگرخان در نامه ای به  
 سردار اعظم ایران از اینکه دولت مردان فرانسوی وی را به حضور  
 نمی پذیرند زبان به سکوه گشود. میرزا شفیق جهت حل مشکل فوق علی  
 نامه ای به تاریخ بیست و چهارم لوت ۱۸۰۹ / سپیدهم رجب ۱۲۲۲ به  
 شامبانی، خواستار پذیرش عسگرخان توسط امپراطوری و دیگر مقامات  
 فرانسوی شد.<sup>(۱۱۹۸)</sup> به دلیل مشغولیت انپتون در اروپا به ویژه جنگهای  
 ناپلئون که از ماه آوریل ۱۸۰۹ شروع و تا چهارم اکتبر ۱۸۰۹ / پنجم  
 رمضان ۱۲۲۲ ادامه داشت بی توجهی ها به سفر ایران تشدید شد و حتی با  
 برنامه بزی وی دانه ریختند گرفتند.<sup>(۱۱۹۹)</sup>

### ورود به فرانسوی

میرزا شفیق به دلیل ندادن نجف و هدایا توسط فرانسویان - ظاهراً آن  
 را مایه افتخار و بزرگی خود می دانستند - برای مقامات ایران از عسگرخان  
 به شدت گلهمند بود.<sup>(۱۱۹۷)</sup> و عسگرخان بتناچار جهت راضی کردن  
 صدراعظم می نوشت که در آینده ای نزدیک جواهرات و نجف دست ساز  
 و ذقیقت خواهد آورد.<sup>(۱۱۹۸)</sup>

عسگرخان نیز متقابلاً گلهمند بود که اطلاعات و نامه های لازم از ایران  
 به دست وی نمی رسد.<sup>(۱۱۹۹)</sup> عدم توجه دولت مردان فرانسوی به  
 عسگرخان باعث شد که وی با فرض از افراد مختلف چرخ سفارت را  
 بچرخاند.<sup>(۱۲۰۰)</sup> سفیر از اقامت خود در پاریس ضمن گذشت و گذار  
 حداکثر استفاده را از فرهنگ و علوم این کشور بکند.

عسگرخان در بیست و چهارم نوامبر ۱۸۰۸ / پنجم شوال ۱۲۲۳ با  
 راهنمایهای زویر<sup>(۱۲۰۱)</sup> به لژ فیلسوفیک که پیرو لژ بزرگ اسکاتلند بود  
 پیوست و به سرعت مندمات عضویت عسگرخان توسط روبلو<sup>(۱۲۰۲)</sup>  
 فراهم شد و نشریات ماسونی که می بایست در مدت شش ماه انجام  
 گردد در مدت کوتاهی پایان پذیرفت.

عسگرخان در اثر هدایای روبلو بعد از حضور در لژ سه ممبر  
 جواهر نشان خود را از کمر درآورد و به توری<sup>(۱۲۰۳)</sup> استاد اعظم لژ تقدیم  
 کرد و سخنرانی را که روبلو برای وی تهیه کرده بود ایراد کرد:

«... آقایان من در نزد شما دوستی، وفاداری و احترام خود را تعهد  
 می کنم از قراری که شنیده ام و شک ندارم فرانسویان نیکو خصال و  
 شنبو اند و به پادشاهان بی نهایت علاقتند می باشد. خواهش می کنم این  
 هدیه را که شایسته یک فرانسوی حقیقی است از من قبول فرمائید. این  
 شمشیر را که در بیست و هفت جنگ به کمر داشته ام به شما تقدیم میکنم  
 و امیدوارم بین مراسم تحلیف شما در به درجه صمیمت من نسبت به این  
 فرانسوی و خوشوقتی که از عضویت این آئین برام حاصل شده است  
 متفاعد سازد».

عسگرخان در روز هشتم دسامبر ۱۸۰۸ / نوزدهم شوال ۱۲۲۳  
 کالسکه سفارت را به توسط منشی و طبیبش به مرکز لژ فرستاد و توری  
 رئیس لژ را به اقامتگاه خود دعوت و از وی پذیرایی شایان بوجهی کرد.  
 ضمن مذاکرات عسگرخان گفت که قصد دارد در اصفهان<sup>(۱۲۰۴)</sup> یک لژ  
 دایر کند. در پایان جلسه توری با همان افراد و همان کالسکه سفارت به  
 منزلش مراجعت کرد.

عسگرخان برخلاف روند طبیعی لژ در پانزدهم دسامبر ۱۸۰۸ /  
 بیست و ششم شوال ۱۲۲۳ در عرض بیست و یک روز از لژ فیلسوفیک  
 فرانسه رتبه استادی را دریافت کرد. و بلافاصله آرشو عمومی در  
 اختیارش گذاشته شد و با دقت و علاقه مخصوص آن را مطالعه کرد و  
 سپس یک قولی مرصع به جواهرات قیمتی را تقدیم لژ نمود.

عسگرخان اولین ایرانی صاحب منصب می باشد که به عضویت  
 فرانسوی درآمده است. قبل از وی ایرانیانی که به هندوستان سفر کرده  
 بودند عضو لژهای فرانسوی بوده اند ولی چون در سازمانهای دولتی و

### انتظار از عسگرخان

در این میانه مقامات ایرانی به ویژه عباس میرزا و میرزا شفیق تنها راه به  
 نتیجه رسیدن صلح میان ایران و روسیه را فشار مضاعف به عسگرخان  
 می دانستند عسگرخان نیز حداکثر کوشش را در این راه بکار می برد و  
 نامه های ارسالی مقامات ایرانی را توسط نجفعلی بیگ سرجمع و برای  
 دولتمردان فرانسوی ارسال می کرد. مقامات فرانسوی که حاضر نبودند  
 بحاضر ایران با روسیه دست و پنجه نرم کنند یا حتی با جاننونی درباره  
 ایران، آنها را از خود برنجانند. نامه های مقامات ایرانی و عسگرخان را  
 بی پاسخ گذاشتند و به همین دلیل عسگرخان مورد بازخواست و مواخذه  
 و تبعید و صدراعظم واقع می شد که چرا فرانسویان به سبیل نامه هایی از  
 جانب مقامات ایرانی ارسال می شود پاسخی نمی دهد عسگرخان در  
 نامه ای به تاریخ بیست و دوم نوامبر ۱۸۰۹ / چهاردهم شوال ۱۲۲۴ به  
 هوگو برنامارده گلهمند می کند که هیچ یک از نامه های وی پاسخ داده نمی شود  
 تا با ارسال آن به ایران از بداهای بیشتر وی در نزد مقامات ایران جلوگیری  
 شود.<sup>(۱۲۰۵)</sup>

دولتمردان ایران که در حدجان کوتاهی را از جانب عسگرخان  
 می دانستند و از طرف دیگر همانطوریکه که اشاره شد از جانب روسها  
 تحت فشار بودند سعی کردند چند نماینده دیگر به پاریس  
 بفرستند.<sup>(۱۲۰۶)</sup> تا به زعم خود حضور عسگرخان را چیران کرده  
 فرانسویها را وادار کنند که حداقل بین ایران و روسیه صلح پایدار برقرار  
 کنند ولی همه آنها با کدورت و باس تمام مراجعت کردند.<sup>(۱۲۰۷)</sup> با این  
 وجود میرزا شفیق که فوق دید سیاسی اش بسیار کوتاه بود - با توصیه های  
 اخلاقی<sup>(۱۲۰۸)</sup> سعی کرد مقامات فرانسوی را وادار به چنین امری  
 کند.<sup>(۱۲۰۹)</sup> شامتهای صدراعظم نسبت به عسگرخان همچنان ادامه  
 یافت و در نامه های متعدد به شدت از عسگرخان گلهمند کرد که «... قبل از  
 رفتن شما روابط دو کشور بهتر بود. از روزی که شما رفتید آتری از عهد و  
 قرارداد از بین ظاهر نیست. - حالا که گرفتاری دولت فرانسه بر طرف شده  
 در راستای اهداف سفارت اجتماعی به ضمن آورید و اخباری به ایران  
 برسانید».<sup>(۱۲۱۰)</sup>



دربار ایران دارای مقام و منزلت نبودند نام آنها در ردیف فراماسونهای اولیه و برجسته ایرانی ذکر نشده است. ورود عسگرخان به لژ فراماسونری از حنا نعمتی بر حوردار بود که روبلو به پاس این کار لقب استاد اعظمی را دریافت کرد (۱۳۵۱).

## دید و بازدید

عسگرخان به همراه سفیر عثمانی به ماری (۱۳۳۶) برای دیدن ماشین هیدرولیکی که در دوران اوایی چهاردهم (۱۳۳۶) که توسط زونبکین (۱۳۳۸) برای تغذیه آبراه ماری که آب را از رود سن (۱۳۲۹) به ورسای (۱۳۳۱) منتقل می‌کرد رفت. وی همچنین از کارخانه اسلحه ورسای و کارخانه پارچه‌های نقاشی زونی (۱۳۳۱) در جونی (۱۳۳۱) دیدن کرد و چندین دست لباس از پارچه‌های مزبور را خرید و برای مدل فرار دادن و به عنوان نمونه به ایران فرستاد.

نوئسی ماتیولانگه (۱۳۳۱)

شرق‌شناس معروف و عضو موسسه شرق‌شناسی فرانسه از عسگرخان دعوت به عمل آورد که از کتابخانه امپراطوری دیدن کند. سفیر ایران در حالی که در جانب ژوربر راهنمایی می‌شد در جمع آوری تعدادی سمبلی کتب که در کتابخانه بطور منظم قرار گرفته بود مهوت شد. در بازدید نیم ساخته از آثار کتابهای خطی، چاپی که بیش از همه مورد احترام و جدت بود عسگرخان قرار گرفت یک نسخه نادر قرآن بود ضمن تماشای آن گفت که در ایران حتی یک نفر پیدا نمی‌شود که برای بدست آوردن این کتبخانه عظیم حتی از فروش جگر گوشه‌گان خود برای یک لحظه بازدید کند.

عسگرخان خوشحالی و تعجب خود را از دیدار در کتابخانه به ویژه از بررسی تعدادی شمار و بسیار جالب دست نوشته‌های ترفی‌لرا کرد.

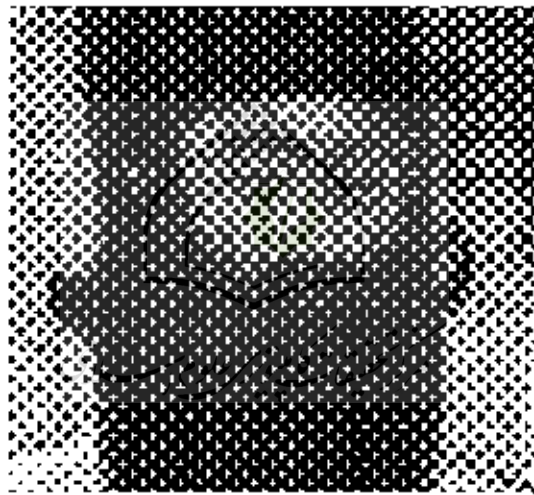
به هنگام ترک کتابخانه از متصدی کتابخانه تسکیر کرد و فردای آن روز براساس قولی که به وی داده بود یک نسخه از دست‌نوشته‌های کتاب جهانگشای نادری که توسط میرزا مهدی خان استرآبادی در سال ۱۷۴۸ نوشته شده بود در حالی که توسط مستر اش باددانشی به زبان فارسی در انهای جلد صمیمه شده بود تقدیم کتابخانه کرد. عسگرخان از اینکه توانسته کتابی را به کتابخانه تقدیم کند که در آن وجود نداشته ایران خوشحالی بسیار می‌کرد.

در پنجم نوامبر ۱۸۰۸ (شازدهم رمضان ۱۲۲۳) بازدید یک ساخته‌ی را از موزه می‌کند در آنجا توسط مدیر موزه شخصی بنام دنون (۱۳۴۶) موزه پذیرایی قرار گرفت. عسگرخان با مشاهده تابلوهایی از امپراطور فرانسه و همسرش و بسیاری از شاهان و ساهزادگان و ملکه‌های فرانسه به

ویژه تابلوی نقاشی از فتحعلی شاه قاجار به سحتی تحت تاثیر قرار گرفت. در تابلوهایی که نقاشی تاریخچه را به همراه داشت توجه بیشتر وی را بخود جلب می‌کرد. عسگر خان یک ربع تمام به تابلوی تسلیم وین و سرپا خیره خیره نگاه می‌کرد در تمام مدت بازدید از تابلوها نقطه نظرات بسیار جالبی ابراز می‌کرد که نشان از تخصص وی در این زمینه بود و در پایان این جمله را گفت که خدایا نادر توانست با فتح ده بی این پایتخت سابق هندوستان چنین پیروزیهایی بر آسمان نرسیم کند. عمل مردان بزرگ افتخار آنها را جاوید می‌کند ما که مسافر هستیم چه اهمیتی دارد که فقیر باشیم یا ثروتمند به شرطی که اسم ما به افتخار برای آیندگان بماند هنرهای اروپائیان فتح و پیروزی آینده را بر آنها تضمین می‌کند.

رقتی که به آخر گالری آپرون رسید برای رفع خستگی لحظه‌ای نشست و بلافاصله شروع به کشیدن قلیان کرد. پس از ترک موزه در حالی

که انبوهی از جمعیت کنجکاو به دنبالت در حرکت بودند از باغ تونیرلی بازدید کرد. عسگرخان بیش از اندازه به خرید اشیاء هنری و کارهای دستی علاقه داشت و آنها را بدون چانه‌زدن خریداری می‌کرد همچنین علاقه وافری به فیزیک تجربی داشت و سوالاتی که مطرح می‌کرد که توسط مترجمش ترجمه می‌شد نشان از اطلاعات وسیع وی درباره برق (الکتریسته) می‌داد (۱۳۵۶)



## خصوصیات سفیر

عسگرخان با حدود پنجاه و پنج سال سن و ریش بلند و پر پشت، سیاهی خوش منظر نوام با نجابت و بزرگی داشت. سفیر خوش اندام و سر و وضعی مرتب و منظمی داشت و در عیوب سادگی بسیار تسکین بود و ختجری مریض به سنگهای قیمتی به کمر داشت که به دیگران اجازه بررسی آن را می‌داد.

کنجکاو و دقت و نظم عسگرخان فوق‌العاده بود وقتی می‌خواست روی قبل یا مسدلی بنشیند ابتدا اسم آنها را می‌پرسید سپس می‌نشست. اما با این وجود نمی‌توانست بسیاری از عادات شرقی خود دست بردارد مثلاً در برابر یکی از غلامان خود چمپانه می‌زد و در آفتابه و لنگی چینی سر و صورت خود را در برابر دیگران می‌شست و از این کار هم به هیچ وجه اظهار ناراحتی نمی‌کرد.

در هنگام حضور عسگرخان در فرانسه سفیری از عثمانی نیز در پاریس حضور داشت که در بسیاری از موارد با هم رقابت می‌کردند. عسگرخان شخصیتی بسیار آرام و متین و سرتار از ابهت و احترام فوق‌العاده و نهل نذل و بخشش بود. سفیر ایران با ادب و نزاکت خاص در کمال مهارت دل همگان را بدست می‌آورد. عسگرخان به زبان فرانسه عطر و گل سرخ و به مردمان نابون، عاجز و بی‌په هدیه می‌داد وی با ترفند

و انعطافی که داشت بخوبی می‌توانست خود را با عرف و سننهای جامعه فرانسه بیشتر هماهنگ کند.

عسگرخان با کمال تواضع از زنتی که وارد اطلاق می‌شدند با احترام فوق‌العاده پذیرایی می‌کرد که یکی از روزنامه‌های فرانسوی در این خصوص نوشت که عسگرخان ثابت کرد که ایرانیها فرانسویها آسبنا هستند\* برعکس عسگرخان سمر تری مردی بود خشک، متفرع، سریع‌الغضب، عیوس و بدخو و بر عکس عسگرخان به هیچ وجه اهیل شوخی و بگو و بخند نبود و هیچ گونه مزاحی را نمی‌توانست تحمل کند. عسگرخان در مدت اقامت در فرانسه چنان تاثیر فویبی گذاشت که سالهای بعد حتی در سنت هلن\* خاطراتی از وی را برای ناپلئون نقل می‌کردند. ناپلئونی که هیچ چیزی بیشتر از از داستانها و خاطرات سالدو و کاخهای پاریس سرگرمش نمی‌کرد (۱۷۷۶).

## احضار به ایران

چون اثری از کمکهای فرانسه به ظهور نرسید و گاردان ناپلئونی خود را در برقراری صلح بین ایران و روسیه بروز داد - به فتحعلی شاه گفت که مصنحت دو این است که ایران خود راساً سفیر به پایتخت روسیه بفرستد (۱۷۷۶) و از طرف دیگر از جانب سرحدات متصل به روسیه در تهدید بود و فشار انگلیسی‌ها را نیز به همراه داشت شاه با وجود مخالفت صریح گاردان - تصمیم به پذیرش سرهار فورده جونز گرفت (۱۷۸۱) و گاردان با وجود اصرار شاه مبی بر ادامه حضور در ایران - تا رسیدن دستور جدیدی از جانب ناپلئون - در هفدهم فوریه ۱۸۰۹ / دوم محرم ۱۲۲۴ با هیئت نظامی سیاسی خود با فتحعلی شاه خدادار نظمی و تهران را به طرف نبریز ترک کرد و سپس از طریق روسیه به فرانسه رفت (۱۷۹۶). فتحعلی شاه ضمن احضار عسگرخان فردی به نام حسین خان (۱۷۹۱) حائضین وی تعیین که وی را به همراه ژولان و نرسیا (۱۷۹۱) - که آخرین نفرات خروجی هیئت فرانسوی بودند - روانه فرانسه کرد تا روابط دو کشور قطع نشود (۱۷۹۶).

عباس میرزا در نامه که در ذی‌عقده الحرام ۱۲۲۴ به ژولان نوشت که عسگرخان به فرمان فتحعلی شاه مأمور به معاودت شده است و باید بعد از ورود وی به پاریس روانه ایران شود و یکی از اعیان و معزبران به جای وی محض دوستی دو دولت در دربار دولت علیه فرانسه متوقف خواهد بود (۱۷۹۳).

میرزاشفیخ در اواخر مارس ۱۸۱۰ در نامه‌ای به شامپانی ضمن ابلاغ پایان مأموریت ژولان، خواستار بازگشت وی به ایران شد (۱۷۹۳). بعد از ورود عسگرخان به فرانسه عسگرخان که از پایان مأموریت خود مطلع شده بود طی نامه‌ای به عباس میرزا اطلاع داد که لازار از طرف دولت فرانسه مأمور به دربار ایران شده است. عباس میرزا در مراسله ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ به عسگرخان، ضمن مخالفت سریع با سفارت لازار، به دلیل اعمال زشتی که در هنگام مأموریت از جانب گاردان در نزد گلوبچ از وی سر زده اعلام نمود که تعیین لازار در نظرها پسندیده و به شأن دولت فرانسه مناسب نیست و تنها فایده سفارت وی ابلاغ پیغام دولت فرانسه به

دولتمردان ایران می‌باشد که چنین وظیفه‌ای از عهده هر کسی غیر از لازار هم برمی‌آید (۱۷۹۵). عسگرخان در اوایل سال ۱۸۱۰ در نامه‌ای برای عباس میرزا از پاریس از بیروزی سیاه نابلئون بر انریش و از توجهات نابلئون و محبت شامپانی نسبت خود و همچنین از اوضاع و اخبار و فتوحات اروپا نیز مطالبی نوشته و گله کرده که اخبار ایران کمتر به وی رسیده است. عسگرخان در پایان گله‌مندی شدید گاردان را منی بر عدم وصول طلب پنجاه هزار سومانی از دولت ایران داده و لیسعهد ابلاغ کرد (۱۷۹۶).

عسگرخان در همان تاریخ نامه به عباس میرزا طی مراسله‌ای به میرزا عیسی فراهانی درباب اشفاق امپراطوری و الطاف شامپانی نسبت به خود خیر داده است. میرزا بزرگ در پاسخ ضمن تشکر بی‌پایان شرح مفصلی درباره دلایل پذیرش انگلیسی‌ها از سوی دولت ایران، غفلت خروج گاردان و هیئت همراه از ایران برای عسگرخان نوشته است (۱۷۹۷).

عباس میرزا ضمن نامه‌ای به نابلئون از حسن الشفات نابلئون به عسگرخان تشکر کرده است (۱۷۹۸). عسگرخان در آوریل ۱۸۱۰ در نامه‌ای به دوک کادور وزیر خارجه فرانسه از وی خواست تا دستور دهد که سه طاقه شال کشمیری که وی در وین پیش فردی گذاشته بود وارد پاریس شود (۱۷۹۹).

## خروج از فرانسه

عسگرخان تا اواخر مه ۱۸۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ در پاریس حضور داشته است. در هنگام خروج طی درخواستی به زبان فرانسه از امپراطور تقاضای ملاقات برای خدادار نظمی با وی را کرده (۱۷۵۰) که احتمال عدم پذیرش وی بیشتر است ولی نابلئون در نامه‌ای به فتحعلی شاه به تاریخ بیست و سوم مه ۱۸۱۰ / هجدهم ربیع‌الثانی ۱۲۲۵ نوشت که سایه دستور شما مأموریت عسگرخان در دربار فرانسه به اتمام رسیده به همین دلیل بیش از این نگه‌داری وی در فرانسه مقدر نشد. نابلئون ضمن اظهار تاسف از خروج عسگرخان از رفتار وی ستایش کرده و رد پایان گفته که سفیر در مدت مأموریت خود مطالب پادشاه ایران را به سمع وی رسانده است (۱۷۵۱).

عسگرخان در اوایل جمادی‌الاول ۱۲۲۵ / ژوئن ۱۸۱۰ پاریس را به قصد وین ترک کرد که در اواخر جمادی‌الاول ۱۲۲۵ در انریش حضورش مسجل و معلوم شد. سفیر ایران به هنگام عزیمت به ایران تعدادی از متخصصین فرانسوی را به همراه خود به ایران آورد که یک دکتر حراج به نام ژولیر. دو موسیقی‌دان به نام الون و ریگر و یک استاد ساخت‌ساز و دو فلوپساز از آن جمله بودند (۱۷۵۲). در ضمن در این سفر اوتره عسگرخان را همراهی می‌کرد (۱۷۵۳).

عسگرخان از وین وارد بخارست و سپس عثمانی شد و در هفتم اکتبر ۱۸۱۰ / هشتم رمضان ۱۲۲۵ نامه‌ای به وزیرخارجه ضمن اظهار

15. Rouman

16. Hugues Bernard duc de Bassano

17. Claude Mathieu de Gardane

۱۸. از بزرگان انصار از طایفه بدالسلطنگی و از سرکردگان سیاد افغانمندان که در دورهٔ تحصیلی شاه در بست و هفت جنگ با فرماندهی چندین هزار نفر بر علیه روسیه شرکت داشت. کارنامه درخشان نظامی گری عسگرخان، دفع هجوم روسها به فرماندهی تسی سیانوف به بادکوبه و تحریک حبیبقلی خان حاکم ایرانی بادکوبه به قتل سیانوف بود. تاریخ محمدی: محمدفتح الله بن محمدنقی ساری، به اهتمام علاءرضا طباطبایی مجده امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱.

۱۹. اگوست بن تان. سفرنامه شریفه منصوره اتحاذیه. بی تا، ۱۲۵۴. صص ۹۸-۹۹.

۲۰. بن تان از درد چشم رفع می بود و به همین علت بعد از دریافت نامه سیاسیاتی سیر فرانسه در استانبول در این زمان ایران را ترک می کرد.

۲۱. سفرنامه بن تان، ص ۱۱۱.

۲۲. سفرنامه بن تان، ص ۱۱۲.

۲۳. بن تان از سوی گاردان به عنوان یکی از اعضای سفارت معرفی و با ناراحتی ناچار به مراجعت تبریز شد.

۲۴. کنت آلفرد گاردان. ماموریت ژنرال گاردان در ایران. ترجمه عباس انصاری آشتیانی. تهران: گزارش، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲.

25 - Arch Est R.F. Vol 10, P 324

خبرنامه نامه تسلیم قتل از ماه فوریه ۱۸۰۸ به تهران رسد.

26 - Arch Est R.F. Vol 11, P83.

و نیز حسن حبیبی فسائی. فارسنامه ناصری. ج ۱. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۶۹۵.

27 Arch Est R.F. Vol 12, P 222

۲۸. محمدنقی سپهر. ناسخ الشواریح، ج ۱. تهران. کتابفروشی اسلامیة. ۱۳۵۳. ص ۱۶۸.

۲۹. کنتستان. عسگرخان سیر تحصیلی شاه در پاریس. محله برده سیهای تاریخی. ترجمه محمود کی. ص ۱۷، شماره ۱، ص ۱۷۱.

30 - Arch Est R.F. Vol 11, P 64.

31 - Arch Est R.F. Vol 11, p.108 / Vol 11, P87

در فاصله نیمه دوم ژانویه و نیمه اول فوریه.

۳۲. بعد از گذشتن از اردووم.

۳۳. کنتستان، ص ۱۷۰.

34 Arch Est R.F. Vol 17, P 64

پن از طرف برادرش ژنرال گاردان ماموریت پیدا کرد تا ضمن مسافرت از طریق حمدان و کومانشاه دربارده خصوصیات اخلاقی محمدعلی میرزا درشاه پسر ارشد تحصیلی شاه محقق منفصلی بکند و بعد از رسیدن به وازنه آن را در اختیار مقامات

علاقه مندی بسیار زیاد به وی نوشت که در شهر وین سه تا کالسکه که در اشتراکش بوده به سفیر فرانسه در این شهر داده تا به عنوان هدیه به وی دهد. (۱۵۴۱)

## ورود به ایران

عسگرخان از طریق عباس وارد ایران شد و به دلیل عدم پیشبرد در کارها مورد غضب فتحعلی شاه قرار گرفت و سه عوطش ارومیه رفت. میرزا شفیق از وی به خاطر بالا آوردن ده هزار تومان قرض به شدت گنه مند بود (۱۵۵۱). اما ظاهراً پس از مدتی همچنان شغل سابق خود - فرمانده قشون ایران - را بدست آورد. عسگرخان در سی ام آوریل ۱۸۱۷ / سیزدهم جمادی الثانی ۱۲۲۲ بسرکردگی چند هزار نفر به استقبال یروانوف و هیأت همراه رفت و از طرف شاه ورود ژنرال را تبریک گفت و خود را مهماندار سفارت معرفی کرد (۱۵۶۱).

عسگرخان بعد از بازگشت به ایران ارتباط خود را با فرانسویان قطع نکرد. در نامه ای که به تاریخ بیست و چهارم نوامبر ۱۸۱۰ / بیست و ششم شوال ۱۲۲۵ به پاریس رسیده جوایز احوالی شامیانی شده است (۱۵۷۱).

در سالهای بعد که تاجران ایرانی به فروش شالهای عباس میرزا در فرانسه مشغول بودند به لحاظ آشنایی با دولت مردان فرانسوی عسگرخان سفارش نامه هایی جهت تسهیل در امر فروش برای مقامات فرانسوی ارسال کرده است (۱۵۸۱).

عسگرخان در سالهای قبل از جنگ دوم ایران و روس همچنان در ارتش ایران فرمانده سپاه بود در سال ۱۲۴۸ ق که مرخص طاعون و وبا در شهر ارومیه شایع شد و عده زیادی را تلف کرد عسگرخان در همین سال در گذشت که محله و دروازه ای در ارومیه به نام وی نامگذاری شد (۱۵۹۱).

## پی نوشتها:

1. ILE DE FRANCE
2. John Malcolm
3. Osseph Vasilivitch
4. Arch Est R.F vol. 18 P. 105
5. Rufin
6. Bouron
7. Tallyrand
8. Jaubert
9. Rouman
10. Omy
11. Baker
12. Jouarmin
13. La Blanche
14. Barmen

61 - *Napoleon et la Perse*. P 170

۶۲ - عسگر خان تا ماه ژوئیه ۱۸۰۸ موقتاً سند ملاحظاتی با دولت مردان بلند پایه فرانسوی داشته باشد.

63 - *Napoleon et la Perse*. P 172

64 - *Arch Etr R.F Vol 10 P118 , 119.*

65 - *Arch Etr R.F Vol 10, P 227/ Vol 10, P 279*

66 - *Napoleon et la Perse*. P 170

هوگت برنارماره به دلیل اینکه طرف فرانسوی امضا کننده عهدنامه هین کیست است این بود و تا لیران علاوه بر اقداماتی که در جهت نزدیکی دو کشور انجام داده بود به پیشنهاد ری دو کرسی زبان ترکی و فارسی در کالج پاریس دایر شده بود که میبوسو دو ساسی برای زبان فارسی و با. ژ. کیفر برای زبان ترکی در نظر گرفته شده بود.

67 - *Arch Etr R.F Vol 10 P 327*

68 - *Arch Etr R.F Vol 11 P 363*

۶۹ - عسگر خان مأمور بود بعد از رساندن نامه‌ها و ذکر مطالب مأموریت خود به دولت مردان فرانسه به ویژه ناپلئون به این بارگردد اما چون ناپلئون به وی دستور ماندن در سیر پاریس را داد بناچار ماندگار شد.

70 - *Arch Etr R.F Vol 10 P 388*

71 - *Arch Etr R.F Vol 17, P 93*

و نیز مأموریت گاردان به ایران. ص ۱۸۴.

72 - *Arch Etr R.F Vol 12, P 222*

۷۳ - مأموریت گاردان به ایران. ص ۱۸۴.

74 - *Arch Etr R.F Vol 17, P 93*

75 - *Arch Etr R.F Vol 17, P 97*

۷۶ - میرزا ابوالحسن خان ایلچی. حیرتنامه. بکوشش حسن موسولوند. بی‌جا، رسا، ۱۳۶۶. ص ۷۰ و ۵۵.

77. *Tancoëtme*

تانتکوانی در ژوئن ۱۸۰۸ / اربع‌الثانی ۱۲۲۳ نامه‌ای از عباس میرزا برای عسگر خان برده است.

78. *Bousson*

79. *Trutthier*

80. *Rousseau*

81. *Dupre*

۸۲

83. *Goudowitch*

سفیر روسیه در پاریس

84 - *Arch Etr R.F Vol 10, P 324*

۸۵ - بایگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. نسخه خطی اصل مکاتبات. دفتر شماره ۷، ص ۱۶۱ - ۱۵۷.

فرانسوی قرار دهد. مأموریت گاردان در ایران. ص ۱۵۶.

35 - *IRDG AMINI. Napoleon et la Perse. Fondation Napoleon. Paris, 1995. P. 167*

36 - *Arch Etr R.F Vol 13, P 304*

در هشتم رمضان ۱۲۲۵ / هفتم اکتبر ۱۸۱۰ عسگر خان جنگام برگشت به بخارست مشاهده کرد که صدقهای پلاتانی بدلی است در نتیجه به کنسول فرانسه تمام دلی شکایت کرد ولی کنسول منکر چنین امری شد و گفت همان صدقهایی است که به وی تحویل داده است. عسگر خان به ناچار به شامپانی (*Chanpagny*) شکایت بود که وی دستور داد صدقهای پلاتانی فوق را به عسگر خان پس بدهند.

37. *Phals bourg*

38. *Moselle*

۳۹ - مأموریت گاردان در ایران. ص ۲۲۶.

40. *de Contu*

41. *Fregus*

42 - *Napoleon et la Perse*. P. 167

و نیز عسگر خان سفیر فتحعلی شاه در پاریس. ص ۱۷۰.

۴۳ - مأموریت زموال گاردان در ایران. ص ۲۳۶.

44 - *Arch Etr R.F, Vol 10, P 287*

۴۵ - محضف عالیجناب در فرانسه در اینجا منظور ناپلئون است.

46 - *Napoleon et la Perse*. P 168

47. *Tulleites*

48. *Carrousel*

49. *Saint Cloud*

50. *Trone*

51 - *Napoleon et la Perse* p 168

52 - *Arch Etr R.F Vol 17, P 80*

۵۳ - سفرنامه برتان. ص ۱۰۹.

53 - *Arch Etr R.F Vol 10. P 2*

54 - *Arch Etr R.F Vol 10, P 388*

56. *Mars*

57 - *Napoleon et la Perse*. P 168

58 - *Arch Etr R.F Vol 18, P 18*

۵۹ - او خود تعلق خاطر فرادانی که عباس میرزا به ناپلئون داشت و او را انگو قرار داده بود ولی نمی‌توانست از بیان افکار و احساسات خود جلوگیری کند و همین بود اسلحه‌هایی که متعلق به فرمانان نامی ایران و یادگارهای پرارزشی بودند از ایران خارج شود. سفرنامه برتان. ص ۱۰۴.

۶۰ - این سی است توسط دوازده ایرانی در سیام دسامبر ۱۸۰۸ به شیر نمانی رسید.

که تعادل خود را از دست داده بود روز به جلو لغزید و با چندان نفرت تصادم پیدا کرد و به زحمت و با تکیه به این و آن توانست خودش را ننگه دارد. بطوریکه همه حاضرین از مروضه‌ای ایجاد شده توسط عسگر خان و از این حادثه بسیار خندیدند و بعدها نقل هر مجلس شد و بارها ژوزفین با یادآوری آن به شدت می‌خندید.

حادثه دوم در هنگام مرخصی عسگر خان روی داد. سمیر بعد از ورود به پاریس از روی کنجکاری تقریباً از تمام افراد مشهور شهر باخبر بود. عسگر خان وقتی که مریض شد رأساً به فراخوانی پزشکی به نام دکتر بوردوا - که هرگز وی را ندیده بود - اقدام کرد اما محرمانه شیطنت کرد و آقای ماریواریس دیوان محاسبات پاریس را - ظاهراً بدلیل شاهه اسی نزدیک - احضار کرد. عسگر خان به شخص دیدن ماریواریس فکر کرد که پزشک مورد نظر است - دست خود را به سری وی دراز کرد و زبان خود را از دهان بیرون آورد و به وی نشان داد. ماریواریس فکر می‌کرد آداب و رسوم شرقی این چنین است دست عسگر خان را به معنی فشرد. موضعی که وسایل پزشکی را برای آقای ماریواریس آوردند همه خندیدند.

111 - Arch Est R.F Vol 11, P 318

۱۱۱ - می‌توان از افرادی مثل حاجی حسین و یوسف خان تاتار نام برد.

Arch Est R.F Vol 10, P 161

Arch Est R.F Vol 10, P 221

113 - Arch Est R.F Vol 11, P 89 / Vol 12, P 222 / Vol 11, P 871

۱۱۳ - به چند نوصیه اخلاقی میرزا شفیع دقت کنید:

... حضرت امپراطوری اعظم از عهده عهد و موااعد خود به نوعی که شایان شأن مملکت و مملکت‌داری است برنماید این معنی در نظر مردم خوردیدین و سایر پادشاهان روی زمین خوش آیند نخواهد بود و بدنامی آبدی خواهد داشت.

Arch Est R.F Vol 10, P 427

... آن دولت به عهدی که در اخراج روسیه نسیب شده است وفا کرده آثار صدق و صفا را که متضمن نیکامی دو دولت جاوید بنیان است ظاهر و جویدار دارند.

Arch Est R.F Vol 10, P 221

... حاصل پادشاهان عادل درین دار عاجل منحصر به نیکامی است هیچ نیک نامی از وفای عهد نیکوتر نخواهد بود.

Arch Est R.F Vol 17, P 108

... از دوسمی با شما در نظر دوست و دشمن مورد عذ هزرا گونه علامت و جود قرین انواع بیسمانی و ندامت باتیم.

Arch Est R.F Vol 13, P 153

... طریقه دوسمی به این بود و اقتضای رسم توأخت نه چینی ... که از وضع امور این حدود مطلع ستود.

Arch Est R.F Vol 11, P 87,88

115 - Arch Est R.F Vol 17, P 108

116 - Arch Est R.F Vol 11, P 136

۱۱۷ - میرزا شفیع در نامه‌ای به شاپانی در تاریخ یوزدهم ماه ۱۸۰۹ [چهارم

۸۶ - ماموریت گاردان در ایران، ص ۱۵۷.

87. Cont tolitoy

88 - Arch Est R.F Vol 18, P 70

۸۸ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۵۷ - ۱۵۲.

۹۰ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۰ - ۱۵۷.

۹۱ - ماموریت گاردان در ایران، ص ۲۳۸.

92 - Arch Est R.F Vol 18, P 70

93 - Arch Est R.F Vol 11, P 83 / Vol 18, P 70

۹۳ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۰ - ۱۵۷.

۹۵ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۵۷ - ۱۵۳.

96 - Arch Est R.F Vol 10, P 324

همچنین بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۶ - ۱۶۱.

97 - Arch Est R.F Vol 11, P 83 / Vol 10, P 324

98 - Arch Est R.F Vol 10, P 427

همچنین بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۶ - ۱۶۱.

۹۹ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۶ - ۱۶۱.

Arch Est R.F Vol 13, P 222

100 Lajard

لاژارد در هفدهم اکتبر ۱۸۰۸ / است و ششم شعبان ۱۲۲۳ از تهران به طرف روسیه حرکت کرد.

101 - Arch Est R.F Vol 11, P 83 / Vol 10, P 324

۱۰۲ - بائگانی وزارت خارجه ج.ا.ا. ص ۱۶۶ - ۱۶۱.

۱۰۳ - ماموریت گاردان در ایران، ص ۱۶۶.

104 - Arch Est R.F Vol 17, P 86

۱۰۵ - گدویچ در پایان نامه‌اش به میرزا بزرگ این جمله را نوشته: «در اردوی کنار قلعه ایروان، که بار روانی آن به آسانی قابل درک است.

106 - Arch Est R.F Vol 14, PP 88 - 92

۱۰۷ - با وجود اطمینان گاردان به فحطی نادیمی بر اینکه یک قسمت از مذاکرات از فوریت راجع به ایران است ولی هیچ صحبتی در این ارتباط به میان نیامد. ماموریت گاردان، ص ۲۰۹.

۱۰۸ - آلبو مانه - ژول ایراک: انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون. ترجمه رشید ناسی، سپهر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۶۶-۶۲۴.

109 - Arch Est R.F Vol 10, P 221

۱۱۰ - کستان دو حادثه را نقل کرده، حادثه اول در کسرتی اتفاق افتاد که امپراطرس ژوزفین در عسارت خود توتیب داده بود. عسگرخان از آهنگهای فرانسوی خوش نمی‌آمد در حالی که پشت خود را به دیوار و پاهای خود را به عقب مستدلی خانمی تکیه داده بود در خواب سنگینی فرورفت. افسران گارد با هماهنگی با خانمی که روی مستدلی نشسته از وی خواستند که از جای خود بلند شود و عسگرخان در حالی

ربیع‌الثانی ۱۲۲۴ نوشت که برای ناپلئون مذاق از کتاب لسان‌العرب حافظ جسته و ابیات زیر درآمده:

دلا رفیق سر بخت نیکه خواست پس / نسیم روغنه شیراز بیکه رامت پس  
بمصدر مصطلبه بنشی و ساغر می‌نوشی / که بفقهر ز جهان کس مال و جاعت پس  
به منت دگران خو مگر که دو جهان / رضای ایرو و انعام پادشاعت پس  
به هیچ روی دگر نیست حاجت مرافقه / دعای نیمه شب و دوس صبح گشامت پس

و سپس ادامه داده که با دیدن این ابیات خاطر خود را در کمال انبساط خوش ساخته و از شامپانی خواندنش کرده که همین مرده دل پیستد را به ناپلئون اظهار دارد تا خاطر امپراطور نیز از امر فوق خوشحال گردد.

طبعی است از صدر اعظمی با چنین تفکر اقداماتی سرزند که در عالم دیپلماسی آن روز جایگاهی نداشته باشد.

Arch Etr R.F Vol 10, P 341

118 - Arch Etr R.F Vol 18, P 18

119 Arch Etr R.F Vol 13, P 243

120 Arch Etr R.F Vol 18, P 18

۱۱۱. ژورنو و گاردان هر دو فراماسون بودند اولی با لقب باولین کارشناس، و دومی با لقب «نگهبان بزرگند».

122. Rahlou

123. Thory

۱۲۴. در تهران هم نوشته اند.

127. Louis XIV

128. Rennemuin

129. Seine

130. Versailles

131. Gui

132. Jouy

133. Louis Mathieu Langles

۱۳۴

135 - Napolcon et la Perse. PP 167 - 173

همچنین عسگرخان سفیر شجاعلی شاه در پاریس. ص ۱۷۲ - ۱۷۰.

136 - Napolcon et la Perse. PP 167 - 161

همچنین عسگرخان سفیر شجاعلیشاه در پاریس. ص ۱۷۲ - ۱۷۰.

137 - Arch Etr R.F Vol 11, P 363

138 - Arch Etr R.F Vol 15, P 243

139 - Arch Etr R.F Vol 11, P 363/Vol 13, P 243

۱۴۰. در اثر پافشاری جوزف روابط ایران و فرانسه به دنبال احضار حسین خان به تهران - در حالی که به استانبول رسیده بود - قطع شد.

Arch Etr R.F Vol 18, P 243

141. Andreus Nerciat

142 - Arch Etr R.F Vol 15, P 222

143 - Arch Etr R.F Vol 15, P 7

144 - Arch Etr R.F Vol 13, P 135

145 - Arch Etr R.F Vol 12, P 238

146 Arch Etr R.F Vol 13, P 235

147 Arch Etr R.F Vol 13, P 243

148 Arch Etr R.F Vol 17, P 101

149 Arch Etr R.F Vol 13, P 146

150 Arch Etr R.F Vol 10, P 288

۱۵۱. این نامه به زمان فرانسه در ملک کانزد ضمیمه نقل دار به قطع ۵۶۲۴۱ نوشته

شده و در یک پارچه ابریشی گل دار طلائی که دارای نقاشی کرم رنگه - که به شکل

سپار منظمی دست دوزی شده - قرار داده و برای شجاعلی شاه ارسال شده است. در

سمت راست پائین نامه اعضای بناهارت و در سمت چپ اعضای شامپانی و در بین دو

امضاء مهر امپراطوری دیده می‌شود که در آن نوشته شده

NAPOLEON EMPEREUI DES FRANCAIS

این نامه توسط اوپره سلیم شاه ایران شد.

نامه فوق در سال ۱۳۲۸ش در دفتر ضبط اسناد دولتی وزارت مالیه ایران به شماره

۶۰۷۱ ثبت شده و سپس با شماره ۳۶۳ در ۱۳ دیماه ۱۳۵۱ وارد آرشیو وزارت

امور خارجه ایران گردیده است و هم اکنون در بایگانی وزارت خارجه ج.ا.ا.

موجود می‌باشد.

152 - Arch Etr R.F Vol 13, P 177

153 - Arch Etr R.F Vol 18, P 5

اوتوه در هنگام برگشت نامه‌ای از میرزا شجاعلی برای شامپانی بود.

154 - Arch Etr R.F Vol 13, P 303

155 - Arch Etr R.F Vol 18, P 18

۱۵۶. مورس دوکوتزبونه. مسافرت به ایران. ترجمه محمود هدایت. تهران، امیرکبیر،

۱۳۴۸، ص ۸۶.

157 - Arch Etr R.F Vol 13, P 244

158 - Arch Etr R.F Vol 18, P 7

ساجی علی‌اکبر تاجر تبریزی از تاجران که با سفارش نامه عسگرخان در سال ۱۸۱۹

به فرانسه رفت.

۱۵۹. تاریخ التواریخ، محمدتقی سپهر - ج ۱. اسلامیه، ۱۳۴۴، ص ۳۲۶ - ۳۲۵.